

یقه خودتان را
جناب پزشکيان

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ



به تازگی فیلمی منتشر شده از حضور رئیس جمهور در استانداری زنجان. آن بخش اش؛ «جعفر ول کن برو حرفتو بز» هم حسایی فراگیر شد. جایی دیگر اما در همین جلسه رئیس جمهور جمله ای می گوید مبنی بر اینکه فلان تصمیم را من نگرفتم، بنابراین برو یقه همان کسی را بگیر که این تصمیم را گرفته چون به من مربوط نیست. با شنیدن این جمله متوجه شدم در ذهن جناب پزشکيان این ایده که باید یقه مسئولان و مسیبان را گرفت، جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا خاطرم هست چندماه پیش هم در مراسم اختتامیه سرشماری عمومی کشاورزی به «کلی گویی» در آمارها اعتراض کرد و گفت، داده ها باید به کاری بیایند، وگرنه صرف جمع آوری داده بدون آنکه مدیران از آنها بهره ای ببرند، گرهی از کار مملکتی که درگیر تورم، گرانی، قاچاق، رشوه و زمین خواری است، نمی گشاید و آخر سر نه رفع مشکل شده و نه «مقصر» پیدا می شود، بلکه می رسیم به همان مثل «کی بود کی بود؟ من نبودم». وسط صحبت ها هم البته به نکته درستی اشاره کرد و گفت: «من نمی دانم باید یقه چه کسی را برای این گرانی ها بگیرم؟» حالا که رئیس جمهور خوشبختانه در پی گرفتن یقه مسئولان است، بد نیست همین اول یادداشت بنویسیم، اول از همه باید یقه خودتان را بگیرید یا لاقل بدانید مردم در درجه اول یقه رئیس جمهور را خواهند گرفت. نه اینکه با شما دشمنی داشته باشیم، والله قسم این گونه نیست اما خُب آن زمانی که تشریف آوردید در میدان انتخابات باید فکر این روزها را نیز می کردید. آقایان حاضر در این جلسات هم که مورد نقد شما قرار می گیرند، برگزیده شما بوده اند یا به هر حال نزد افکار عمومی شما به عنوان رئیس جمهور، مسئول نهایی حضور آنها در کابینه قلمداد می شوید و بعید می دانم کسی از جناب عالی این توصیه را بپذیرد که فلان وزیر، محصول فشار فلان گروه است و بهمین وزیر، نتیجه لابی با بهمین دسته. پس اگر من مانده ام و انبوه مشکلات و یارانی که از کردم پرانگند می شوند، بدانید که اراده من چنین نبود. نهاده ریاست جمهوری در ایران، متأسفانه خوش استقبال و بد بدرقه است. بخشی از آن البته اقتضای دموکراسی است که مردمی که با ده ها امید، دل به شعارهای نامزدی بسته اند و او را راهی پاستور کرده اند، در روزهای اول برایش هورا بکشند و بعد از مدتی هم جویای مطالبات شان شوند. حریف سیل تقاضاهایی که بخشی از آنها را نیز خود برانگیختید، شدید، باز ملت قربان دست و پای بلورین تان می روند. شدید، تردید نکنید که بقتل آن را باید بسپارید به مردم و دیگر می خواستیم اما نشد و می توانستیم اما نگذاشتند، خیلی به کارتان نمی آید. البته این بازخواست مسئولان را باز باید به فال نیک گرفت. این خیلی بهتر از آن است که رئیس جمهور دل خوش کند به گزارش های مدیران و بعد که دیگر کار از کار گذشت، دنبال مقصر بگردد. سال گذشته بحث آن گزارش «مهمل» به مرحوم ابراهیم رئیسی، خبر ساز شد. البته نباید بی انصاف بود و تصور کرد چنین گزارش هایی مختص آن دوران خاص است. نه، تا بوده کم و بیش مشکل آمار زدگی، آمار سازی و پنهان شدن مدیران پشت اعداد وجود داشته اما این روزها که دیگر خبری از آن فروش رویایی نفت در دهه ۱۳۸۰ نیست و با انواع سوء مدیریت ها، کفگیر خورده به ته دیگ و ترازوی مملکت دچار «اتنا زاری» شده است، نمی توان باز کلاغ را رنگ کرد و جای قناری به جماعت جا زد. خیر، مردمان چشم و گوش دارند و می بینند که هر روز سفره شان کوچک تر و جیب شان خالی تر می شود، بنابراین حوصله شان نیز تنگ تر می شود. با مردمان کلافه هم خیلی نمی شود بحث کرد. فرصت ها اندک و خطر ها قریب است و زمان به سرعت برق و باد می گذرد، اما ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم. آن زمان که اسفندماه ۱۴۰۳ می گفتید «من باید یقه چه کسی را بگیرم؟»، وقت مدیران کشور صرف ابلاغ قانون حجاب یا تعطیلی پنجشنبه یا شنبه یا بستن صفحات اینستاگرام خوانندگان زن می شد. همان روزهایی که بعدتر متوجه شدیم، اسرائیل چه نقشه هایی در سر می پرورانده. القصه، موفقیت دولت در گروی اصلاحات اساسی در رونه دهاست، وگرنه این دوره ریاست جمهوری نیز چیزی خواهد شد نظیر آنچه در سال های اخیر دیده ایم و شاید حتی بدتر؛ زیرا کوه مصائبی که به این دولت به ارث رسیده، جمع تمام خطاهای چنددهه اخیر است. دیگر از این واضح تر که در تأمین کامل آب، برق و گاز ناتوانیم. بنابراین جناب پزشکيان مراقب یقه خودتان باشید. بعید نیست البته برخی از مدیران تان، پولیتیک بزنند و اول مدتی یقه یکدیگر را بگیرند و بعد همه یقه ملت را بچسبند و بگویند، اگر این مردم ناسپاس کمتر می خوردند و می نوشیدند و بیشتر می پوشیدند و می کوشیدند، وضع ما خراب نمی شد. اینها اما موقتی خواهد بود. روز خدا حافظی باید جوبگو بود و به قول خودتان، باید کج نشست و راست گفت.

۱۶

۲۴ ساعت

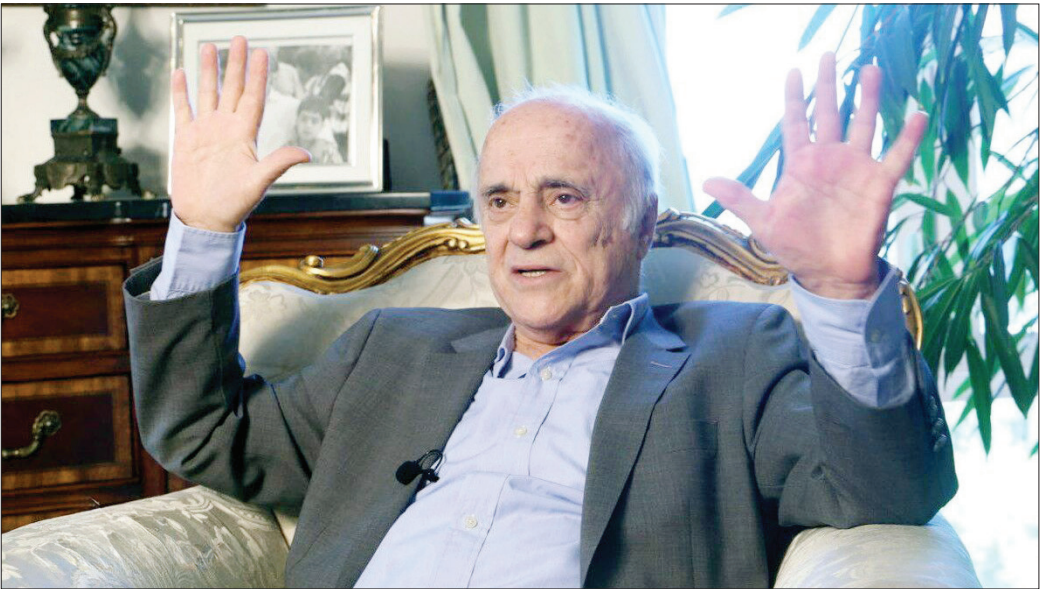
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیبر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۲۳۰۲۹۱ • آگهی ها: ۸۸۷۲۳۵۰۷۰ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هممیهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: خبرورزشی

اولین یاغی

بررسی کارنامه پرحاشیه داریوش مصطفوی به بهانه درگذشت او



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هممیهن



یکی از اثرگذارترین مدیران ورزشی بعد از انقلاب جمعه شب در سن ۸۱ سالگی درگذشت. داریوش مصطفوی، بازیکنی اسبق تیم هایی چون تاج و پرسپولیس، کارنامه پرکاری در بازیگری در زمین فوتبال و مدیریتی در همین حوزه داشت. شاید کمتر کسی بداند که او اولین یاغی فوتبال ایران است که از تاج به پرسپولیس رفته است و پیراهن هر دو تیم را بر تن کرده است. او خودش را یک تاجی اصیل می دانست اما در دوران مدیریت هم به پرسپولیس رفت نشان دهد در روزهایی که باید نگاه حرفه ای داشت، نگاه رنگی حداقل معنا ندارد. هر چند بسیاری می گویند در پی معروف سال ۷۳ که بعد از تساوی دور دوبه پایان رسیده بود، با دستور مستقیم مصطفوی سه بر صفر به سود استقلال اعلام شد. در این گزارش قصد داریم زندگی مردی را بررسی کنیم که در روزهای پایانی عمر، تبدیل به منتقدی شده بود که نقدهایش را محترمانه و البته جسورانه مطرح می کرد.

▼ دوران پر فروغ جوانی

قدیمی ها قطعاً خاطرشان هست که داریوش مصطفوی بازیکن بزرگی بود. هر چند بعد لیل ادامه تحصیل خیلی زودتر از موعد از دنیای فوتبال خدا حافظی کرد و به آمریکا رفت اما تا زمانی که در مستطیل سبز حضور داشت، در خشان ظاهر می شد. مصطفوی جزو اولین نسل فوتبالیست های حرفه ای تاریخ فوتبال ایران بود. اولین تورنمنت بزرگ جهانی که فوتبال ایران در آن حضور داشت، المپیک ۱۹۶۴ بود که مصطفوی در این بازی ها دو بار به میدان رفت. باتوجه به بازی های ملی کم آن مقطع، این بازیکن تنها هفت بازی ملی انجام داد و در آن مسابقات یک گل و یک پاس گل به ثبت رساند. داریوش مصطفوی در دهه ۱۳۴۰ در تاج (استقلال) بازی کرد و به همراه این تیم قهرمان مسابقات سراسری تهران، جام باشگاه های تهران و جام حذفی تهران شد. مصطفوی در سال های پایانی بازیگری خود به پرسپولیس رفت تا در زمانی که هنوز واژه یاغی متداول نبود، اولین بازیکنی باشد که در دو تیم مطرح تهران به میدان رفته است. داریوش مصطفوی در ۱۷ بازی با پیراهن پرسپولیس، دو گل زد. این مهاجم برای ادامه تحصیلات خود در رشته مهندسی، خیلی زود از فوتبال خدا حافظی کرد و به آمریکا رفت.

▼ اعتراف به تغییر داور

در دوران مدیریت داریوش مصطفوی، اتفاق کم سابقه ای رخ داد که به سود یکی از باشگاه های ایرانی- یعنی استقلال تهران- در مسابقات بین المللی رقم خورد. داریوش مصطفوی در گفت وگویی تلویزیونی این ماجرای باورنکردنی را با ادبیات خودش چنین توضیح می دهد، با لابی قدرتمندی که داشته، نتیجه یک مسابقه را به شکل عجیبی تغییر داده است. در سال ۱۳۷۵ در مرحله حذفی این مسابقات، استقلال با نتیجه چهار بر یک مغلوب نوف باخور از پاکستان شد تا حذف این تیم قطعی به نظر برسد. اما شاگردان منصور پورحیدری معجزه ای باورنکردنی را رقم زدند و استقلال با سه گل، تیم اربک را در ورزشگاه آزادی شکست داد و باتوجه به یک گل زده در خانه حریف، به مرحله بعدی صعود کرد. دو گل از سه گل استقلال از روی نقطه پنالتی زده شد اما بعداً مشخص شد ماجرا به این سادگی نبوده است. چندروز مانده به این مسابقه، کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC)، سعد کمیل کویتی را برای قضاوت این دیدار انتخاب کرد که این انتخاب برای آبی ها چندان امیدوار کننده نبود اما داریوش مصطفوی با پیتر ولاپان، دبیرکل وقت AFC تماس گرفت و خواستار تعویض سعد کمیل با یک داور عراقی شد. درخواستی که با دیپلماسی و قدرت بالای مصطفوی در AFC، مورد موافقت قرار گرفت و داور عراقی که یک هفته پیش تر بازی پرسپولیس و آلیماقزاقستان را سوت زده بود، داور بازی استقلال و نوف باخور هم شد. مصطفوی بین دو نیمه در گفت وگویی خصوصی با صادق روزمزار، به او توصیه کرد که در ریل های کوتاهش را به جای پشت محوطه جریمه، در داخل محوطه جریمه انجام دهد و به او تضمین داد در صورت اجرای این کار، داور به

سود استقلال اعلام ضربه پنالتی خواهد کرد. توصیه ای که در زمین موهو اجرا شد و حاصل اش اعلام دو ضربه پنالتی به سود استقلال بود. مصطفوی بعدها در این باره گفت: «من از نظر برخی، آدم ضعیفی هستم اما زمانی که رئیس فدراسیون فوتبال بودم در AFC و فیفا بسیار قدرتمند بودم، معتقدم که در بهترین حالت ۲۰ درصد اتفاقات فوتبال در زمین رقم می خورد و ۷۰ درصد در بیرون از مستطیل سبز». در هر حال داور عراقی به نوعی هوای پرسپولیس و استقلال را داشت تا از آن مرحله صعود کنند.

▼ لغو محرومیت تا پایان عمر

یکی از حواشی دوران مدیریت داریوش مصطفوی مربوط به حکم ۲۲۰ میلیون تومانی می شود که او توانست با شکایت به مراجع قضایی غیرفوتبالی خارج از ایران به دست بیاورد. او در سال ۱۳۸۹ فدراسیون فوتبال را به پرداخت ۲۲۰ میلیون به خودش محکوم و این مبلغ را دریافت کرد. مصطفوی ادعا کرده بود که این پول مربوط به سنوات دوران فعالیت اش در فدراسیون فوتبال بوده اما از آنجایی که این اتفاق با ناهماهنگی فدراسیون فوتبال در دوران علی کفاشیان رخ داده، علی کفاشیان- رئیس وقت فدراسیون- ترجیح داد شدیداً با او برخورد کند و او مادام العمر از حضور در فوتبال محروم شد. هر چند با پایان دوران کفاشیان و حضور مهدی تاج، مشکل مصطفوی حل شد.

▼ منتقد همیشگی کفاشیان

۱۰ سال از اینکه کفاشیان، مصطفوی را از حضور در میدان فوتبال و حوزه مدیریتی محروم کرده بود، در سال ۱۳۹۹ داریوش مصطفوی مصاحبه ای کرد و گفت، فوتبال ما «شهر هرت» است و همه چیز شدنی است. مباحث آقای ترابیان هنوز برای مردم مشخص نیست. همه مطالب را که من نباید بگویم؛ مسئولان باید بگویند. مصطفوی معتقد بود، ترابیان و کفاشیان باز د و بند وارد این فوتبال شده اند: «اگر این حرف را بزنم ۵۰ هزار تکرار به من حمله می کنند و می گویند برای ما هم بگو! حوصله ندارم. در زمان آقای کفاشیان و ترابیان قرار بود برای داوران ما هدست بخرند. مکاتبه می کنند و می گویند نماینده ما ترابیان است، باید پول به حساب آن شرکت می ریختند. قرار بود از مبلغ حق پخش، هدست را بخرند». مصطفوی در خصوص این که ترابیان گفته در فدراسیون فوتبال پرونده سازی می کنند، اظهار کرد: «خجالت می کشم حرف هایی را بزنم که هتک حرمت شود. در دوره ما ترابیان و کفاشیان جایی در فدراسیون فوتبال نداشتند. دوره ما، دوره تخصص بود. ۱۷ نفر کار را انجام می دادیم، ولی این ها ۴۵ نفر در فدراسیون و ۸۰ میلیارد تومان می روند جام جهانی.»

بخش مهم تر گفت وگویی مصطفوی علیه ترابیان، موضوعی بود که حتی به کمیته اخلاق کشید و طبق پیش بینی ها این پرونده به جای خاصی نرسید: «ترابیان که گفته فدراسیون جای زد و بند است، خودش چطور وارد فوتبال شد؟ ترابیان در زمان ریاست صفایی فراهانی از طریق وزارت نفت به فدراسیون معرفی شد. پارتی بازی هم اگر صورت گرفته باشد، روی ترابیان و کفاشیان صورت گرفته است. هیچ کس به اندازه آن ها از رانت استفاده نکرد. نمی شود همه را متهم کرد که فدراسیون جای پرونده سازی است. پرونده را فدراسیون نساخت؛ جای دیگر ساخت.»

▼ تبدیل حامی به منتقد

مرحوم مصطفوی بعد از انقلاب که سال ها دبیرکل فدراسیون فوتبال بود، با حضور بر صندلی ریاست فدراسیون فوتبال، عامل اصلی صعود ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه بود. در واقع در دوران مدیریت اش او سعی می کرد کمتر وارد چالش با مسئولان فوتبالی و غیرفوتبالی شود اما طی دو سه سال اخیر که عملاً نقش خاصی در فوتبال و حوزه مدیریت نداشت در خصوص سایر مسائل نیز صحبت می کرد. مصطفوی از وضعیت بد اقتصادی می گفت و معتقد بود، وقتی وضعیت معیشت مردم نامناسب است، پاداش برخی مسئولان هیئت رئیسه وقت فدراسیون فوتبال در صعود به جام جهانی، آزاردهنده است. کارنامه دوران مدیریت مصطفوی چنین می گوید که فراز و فرود در زندگی شخصی و زندگی حرفه ای او وجود داشت اما آنچه مشخص است، برآیند او و نقشی که در فوتبال ایفا کرد، مثبت تر از نکات منفی اش است.

چهره

خدا حافظی ۱۲۰ روزه با بیرو

حکم علیرضا بیرانوند، دروازه بان تراکتور و تیم ملی ایران، بعد از ۴۳۰ روز سرانجام صادر شد و او به چهار ماه محرومیت قطعی و پرداخت مبلغ ۲۷ میلیارد تومان به حساب باشگاه پرسپولیس محکوم شد. ماجرا از این قرار است که بیرانوند بیش از یک سال پیش به دلیل فسخ یک طرفه، به تراکتور پیوست و جنگال بزرگی را در فوتبال ایران به وجود آورد. طی ۴۳۰ روز اخیر گلر تراکتور مصاحبه های زیادی را علیه مدیران پرسپولیس انجام داد و حتی اعتراف کرد که مبلغ پنج میلیارد تومان شش رینی داده تا بتواند الحاقیه در قراردادش اضافه کند. موضوعی که اصلاً بررسی و جرم انگاری نشد. با این حال محرومیت چهار ماهه ی بیرانوند احتمالاً باعث می شود تا او جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا را از دست بدهد. گفتنی است، حکم قطعی کمیته استیناف که به تأیید فدراسیون فوتبال هم رسیده، این است که این دروازه بان از همراهی تیم ملی ایران هم در مسابقات رسمی محروم شده است. حالا تراکتور باید دروازه بان جدیدی بخرد و قلع منوی احتمالاً روی پیام نیازمند، حساب ویژه باز کند.



کتابخانه

قصایدی در نعت ائمه شیعه

میر عبد الوهاب معموری، متخلص به «غنایی» از شعرا و ادبای سده های دهم و یازدهم قمری است. او از سادات معموریه اصفهان بود و در خانواده ای نامدار از مستوفیان صفویه چشم به جهان گشود. بعدها عبد الوهاب به هند کوچید و به مناصبی چون دیوانی و بخشیگری رسید. عمده شهرت غنایی مرمون شرحی است که او بر دیوان خاقانی نگاشته است اما از خود او نیز دیوانی موجود است که به خصوص به واسطه تاثیر پذیری غنایی اصفهانی از خاقانی اهمیت دارد. در میان آنها دیوان قصاید غنایی نیز شهرتی عمده دارد زیرا معموری با اختصاص این دیوان به نعت و



نام کتاب:
دیوان قصاید غنایی اصفهانی
تحقیق و تصحیح:
سعید مهدوی فر
ناشر: سنگلج

ادب شیعی را خلق کرده است. اینک این دیوان قصاید براساس نسخه ای منحصربه فرد از آن که در کتابخانه ملی ایران نگهداری می شود، با تحقیق، تصحیح و شرح سعیده مهدوی فر، در نشر «سنگلج» در ۴۲۶ صفحه و با قیمت ۵۵۰ هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ

همه پرسی انحلال مجلس شورای ملی



۱۲ مردادماه ۱۳۳۲، دولت مصدق همه پرسی برای انحلال مجلس شورای ملی را در تهران برگزار کرد. این نخستین همه پرسی در تاریخ ایران نیز بود و دلیل مصدق برای انجام آن، بروز اختلافات

میان دولت و مجلس بود. در چنین وضعیتی نمایندگان فراکسیون نهضت ملی، به دعوت مصدق به طور دسته جمعی از وکالت مجلس استعفا دادند و بدین ترتیب مجلس از اکثریت افتاد. این در حالی بود که عبدالله معظمی، رئیس مجلس و از نمایندگان طرفدار مصدق، با استعفای دسته جمعی موافقت نداشت. او در رقابت با آیت الله کاشانی به ریاست مجلس رسیده بود اما مصدق بعدتر با این واقعیت روبه رو شد که رؤسای کمیسیون های مهم مجلس نظیر کمیسیون های قضایی، دفاع ملی، اقتصاد ملی، امور خارجه، کار و اقتصاد به دست طرفداران کاشانی افتاده است. بدین ترتیب او به فکر افتاد به نحوی مجلس را منحل کند. با مخالفت شاه با چنین روندی، او خود طرح همه پرسی را به اجرا گذاشت و بعد از انجام آن، از شاه خواست نتیجه آن یعنی «ابقای دولت و انحلال مجلس» را اعلام کند. محمدرضا پهلوی اما چنین نکرد و یک هفته بعد از این در خواست نیز دولت مصدق، طی کودتا، سرنگون شد.